



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۷ / شماره ۱ (پیاپی ۶۵) / بهار ۱۴۰۷
صفحه ۶۰۹ تا ۶۲۹

تأثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی در دوران اقتصاد دیجیتال با توجه به محدودیت‌های مالی در بانک‌های بورس تهران

لیلا آهنگریان

گروه حسابداری، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران
Leila.ahangarian@iau.ac.ir

زهره حاجیها

گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Drzhajiha@iau.ac.ir

مهدی صالحی

گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد-مشهد، ایران
Mehdi.salehi@um.ac.ir

حسین بدیعی

گروه حسابداری و مالی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
badiei@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین اثر قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی بانک‌ها در دوران اقتصاد دیجیتال و با تأکید بر نقش تعدیل‌گر محدودیت‌های مالی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ بوده و روش پژوهش از نوع کاربردی با رویکرد پس‌رویدادی مبتنی بر داده‌های پانلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قدرت مدیرعامل تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها دارد؛ به‌گونه‌ای که مدیران دارای نفوذ و اقتدار بیشتر، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری و تصمیم‌گیری‌های راهبردی مبتنی بر داده، قادر به ارتقای کارایی مالی و خلق ارزش افزوده در محیط دیجیتال هستند. همچنین، نتایج بیانگر آن است که محدودیت‌های مالی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر، شدت این رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به نحوی که در شرایط محدودیت مالی بالا، اثر مثبت قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی کاهش می‌یابد. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که توانمندی، نفوذ و اقتدار مدیرعامل در عصر تحول دیجیتال، از عوامل کلیدی تاب‌آوری مالی و موفقیت پایدار بانک‌ها محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: قدرت مدیرعامل، محدودیت مالی، عملکرد مالی در دوران اقتصاد دیجیتال، بانک‌های بورس تهران.

۱- مقدمه

در دنیای رقابتی امروز که سرعت تحولات فناوری و دیجیتالی شدن کسب‌وکارها روزبه‌روز در حال افزایش است، نگاه‌های اقتصادی برای بقا و رشد ناگزیرند تمرکز خود را بر بهبود عملکرد مالی و خلق ارزش پایدار معطوف کنند. در چنین شرایطی، مدیران ارشد و به‌ویژه مدیرعامل به‌عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی سازمان، نقشی حیاتی در جهت‌دهی به استراتژی‌های مالی و عملیاتی شرکت ایفا می‌کنند. یکی از عوامل کلیدی که می‌تواند تفاوت عملکرد شرکت‌ها را در محیط پرچالش کنونی توضیح دهد، قدرت مدیرعامل است (عبدالله و تورسوی^۱، ۲۰۲۳).

قدرت مدیرعامل بیانگر میزان نفوذ و اختیار تصمیم‌گیری وی در ساختار حاکمیت شرکتی است؛ عاملی که می‌تواند بر تصمیمات تأمین مالی، سرمایه‌گذاری، تقسیم سود و سیاست‌های کلان سازمان اثرگذار باشد. در اقتصاد دیجیتال، که تصمیم‌گیری‌ها باید با سرعت، دقت و هماهنگی بالا انجام شوند، قدرت مدیرعامل می‌تواند به عاملی تعیین‌کننده در عملکرد مالی شرکت تبدیل شود. از این‌رو، سنجش و تحلیل نقش قدرت مدیرعامل در عملکرد مالی، به‌ویژه در شرایط وجود محدودیت‌های مالی، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است (عبدالرحمان^۲ و همکاران، ۲۰۲۴).

عملکرد مالی مطلوب شرکت‌ها، نتیجه ترکیبی از تصمیمات راهبردی، دسترسی به منابع مالی، و توان مدیریت کارآمد در استفاده از فناوری‌های نوین است. از دیدگاه مدیران، بهبود عملکرد مالی نه‌تنها هدف نهایی سازمان بلکه شاخص اصلی موفقیت در بازار سرمایه محسوب می‌شود. در این میان، مدیرعامل به‌عنوان محور تصمیم‌گیری، باید بتواند با توجه به شرایط درونی شرکت و محیط بیرونی شامل نرخ بهره، تورم، قوانین دولتی و تغییرات فناورانه، سیاست‌های تأمین مالی بهینه را انتخاب کند (عفیف^۳ و همکاران، ۲۰۲۴؛ احدیات^۴ و همکاران، ۲۰۲۴).

در شرایطی که شرکت‌ها با محدودیت منابع مالی مواجه‌اند، نقش قدرت مدیرعامل پررنگ‌تر می‌شود؛ زیرا مدیران قدرتمند به‌واسطه دسترسی بیشتر به اطلاعات و نفوذ در هیئت‌مدیره، قادرند به تصمیمات سریع‌تر، تأمین مالی مناسب‌تر و استفاده مؤثرتر از دارایی‌ها دست یابند (رن^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). چنین مدیرانی می‌توانند با جهت‌دهی به سیاست‌های مالی و سرمایه‌گذاری، جریان‌های نقدی را بهبود بخشند و عملکرد مالی شرکت را ارتقا دهند.

قدرت مدیرعامل همچنین می‌تواند در دوره‌های بحران اقتصادی یا فشارهای مالی، نقش حفاظتی ایفا کند. در این دوران، تصمیمات سریع و قاطع می‌تواند از تشدید محدودیت‌های مالی جلوگیری کرده و شرکت را در مسیر پایداری مالی حفظ کند. از دیدگاه نظری، قدرت مدیرعامل ممکن است دو اثر متفاوت بر عملکرد شرکت داشته باشد: از یک‌سو، قدرت بیشتر می‌تواند با تسریع تصمیم‌گیری و افزایش انعطاف‌پذیری مالی به بهبود عملکرد بینجامد؛ اما از سوی دیگر، تمرکز بیش‌ازحد قدرت در دست مدیرعامل ممکن است به تصمیمات خودمحرانه و کاهش کارایی نظارتی منجر شود (صالح^۶ و همکاران، ۲۰۲۴).

¹ Abdullah & Tursoy

² Abdurrahman

³ Affif

⁴ Ahadiat

⁵ Ren

⁶ Saleh

در فضای اقتصاد دیجیتال، این تأثیرات پیچیده‌تر نیز می‌شوند؛ زیرا مدیران عامل قدرتمند می‌توانند از فناوری‌های دیجیتال، هوش مصنوعی و داده‌کاوی برای تصمیم‌گیری‌های سریع‌تر و دقیق‌تر در حوزه‌های مالی و عملیاتی بهره‌گیرند. این امر در بانک‌ها اهمیت دوچندانی دارد، چراکه ساختار مالی آن‌ها شدیداً وابسته به مدیریت نقدینگی، ریسک اعتباری و تصمیمات لحظه‌ای در بازار دیجیتال است (سئو^۱، ۲۰۲۵).

برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مدیران عامل قدرتمند قادرند با کاهش محدودیت‌های مالی، بهینه‌سازی ساختار سرمایه و استفاده از فرصت‌های فناورانه، عملکرد مالی شرکت را بهبود دهند (تئو^۲، ۲۰۲۴). در مقابل، در شرکت‌هایی که مدیرعامل از قدرت کمتری برخوردار است، تصمیمات کلیدی معمولاً با تأخیر و مداخله سایر ارکان اتخاذ می‌شود که ممکن است در محیط پرشتاب اقتصاد دیجیتال موجب از دست رفتن فرصت‌های مالی شود (یئیار^۳ و همکاران، ۲۰۲۱).

از دیدگاه سهام‌داران، عملکرد مالی مطلوب نه تنها بازتابی از کارایی شرکت در خلق سود است بلکه شاخصی از کیفیت تصمیم‌گیری مدیرعامل نیز محسوب می‌شود. مدیرعامل قدرتمند درعین حال باید بتواند بین منافع سهام‌داران و محدودیت‌های منابع مالی توازن برقرار کند تا از بروز تضاد منافع و هزینه‌های نمایندگی جلوگیری شود (وئو و دنگ^۴، ۲۰۲۱).

بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که:

آیا قدرت مدیرعامل در شرایط محدودیت مالی می‌تواند بر عملکرد مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران در دوران اقتصاد دیجیتال تأثیرگذار باشد؟

ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که در فضای رقابتی و دیجیتال امروز، شناخت نقش قدرت مدیرعامل در بهبود عملکرد مالی می‌تواند برای سرمایه‌گذاران، سیاست‌گذاران و مدیران بانکی راهنمایی ارزشمند در تصمیم‌گیری‌های راهبردی و تأمین مالی هوشمندانه باشد.

پیشینه نظری و تجربی

قدرت مدیرعامل و عملکرد مالی در دوران اقتصاد دیجیتال.

امروزه قدرت مدیرعامل و تأثیر آن بر پیامدهای مختلف شرکتها به‌عنوان یکی از مسائل با اهمیت در ادبیات مدیریت و حسابداری مطرح شده است (خواجوی و همکاران، ۱۴۰۳). قدرت مدیرعامل بر حوزه‌های مختلف مدیریتی تأثیرگذار است. در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، مدیرعامل با داشتن قدرت اجرایی کافی، می‌تواند تصمیمات کلیدی مانند ورود به بازارهای جدید، تعیین راهبردهای رشد و مدیریت ریسک‌ها را مستقل و مؤثر اتخاذ کند. در حوزه رهبری منابع انسانی، مدیرعامل توانمند می‌تواند فرهنگ‌سازمانی را شکل داده، انگیزش و تعهد کارکنان را

¹ Seow

² Tho

³ Uyar

⁴ Vu& Dang

افزایش دهد و تیم‌ها را به‌سوی اهداف مشترک هدایت کند (اریجا^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). علاوه بر این، قدرت مدیرعامل به جذب و حفظ نیروی انسانی بااستعداد کمک می‌کند که این موضوع برای موفقیت بلندمدت شرکت حیاتی است. در روابط با ذینفعان نیز، مدیرعامل به‌عنوان نماینده ارشد شرکت، وظیفه برقراری و حفظ روابط مستحکم با سهامداران، مشتریان و تأمین‌کنندگان را بر عهده دارد؛ قدرت او در این زمینه زمینه‌ساز جذب منابع مالی و فرصت‌های جدید و تقویت اعتبار شرکت است (فتوادی^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). نهایتاً، قدرت مدیرعامل بر نوآوری و تغییرات سازمانی نیز تأثیرگذار است و مدیران قدرتمند می‌توانند فرهنگ نوآوری را در شرکت‌ها ترویج کرده و تغییرات لازم را سریع و مؤثر پیاده‌سازی کنند که این امر به موفقیت بلندمدت شرکت کمک می‌کند (گار دلو^۳، ۲۰۲۲).

قدرت مدیرعامل به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین در نظام حاکمیت شرکتی، نقشی اساسی در جهت‌دهی تصمیمات راهبردی و به تبع آن در عملکرد مالی شرکت‌ها ایفا می‌کند (هریانتا^۴، ۲۰۲۴). قدرت مدیرعامل بیانگر میزان نفوذ، استقلال تصمیم‌گیری و توان کنترل وی بر فرآیندهای مدیریتی و مالی سازمان است. در عصر حاضر که اقتصاد در حال گذار به اقتصاد دیجیتال است، اهمیت این متغیر بیش‌ازپیش آشکار می‌شود؛ زیرا در چنین محیطی، تصمیم‌گیری‌های سریع، هوشمندانه و مبتنی بر داده، به‌شرط برخورداری مدیرعامل از قدرت کافی، می‌تواند عملکرد مالی سازمان را به‌طور معناداری ارتقا دهد (ژیلانی^۵ و همکاران، ۲۰۲۳).

یکی از جنبه‌های اساسی عملکرد شرکت‌ها که همواره مورد توجه قرار گرفته، جنبه مالی آن‌هاست. زیرا کسب سود، هدف اصلی بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌ها به‌شمار می‌آید. از این رو، ارزیابی و اندازه‌گیری دقیق عملکرد مالی در این شرکت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (غریبی و همکاران، ۱۴۰۴). در این راستا، مدیران عامل با قدرت بیشتر، به دلیل برخورداری از اختیار تصمیم‌گیری وسیع‌تر، دسترسی گسترده‌تر به اطلاعات و نفوذ بالاتر در فرآیندهای تصمیم‌سازی، قادرند منابع مالی را به شیوه‌ای کارا تر تخصیص داده و بهینه‌سازی سیاست‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی را انجام دهند. به این ترتیب، توانایی مدیریتی در تخصیص منابع مالی به‌طور مستقیم بر عملکرد مالی شرکت‌ها تأثیرگذار است (کالاسین^۶، ۲۰۲۴). در نتیجه، انتظار می‌رود شرکت‌هایی که مدیرعامل در آن‌ها از قدرت تصمیم‌گیری بالاتری برخوردار است، از عملکرد مالی بهتری نیز بهره‌مند باشند. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که مدیران توانمند و دارای قدرت تصمیم‌گیری بالا، از منابع موجود بازدهی بیشتری کسب می‌کنند و در استفاده از وجوه نقد، رفتار کاراتری دارند که منجر به افزایش سودآوری و ثروت سهامداران می‌شود (خان و همکاران^۷، ۲۰۲۱).

¹ Erraja

² Fuadi

³ Ghardallou

⁴ Heriyanto

⁵ Jilani

⁶ Kalasin

⁷ Khan

همچنین مطالعات متعدد تأکید کرده‌اند که مدیران قدرتمند با توان پیش‌بینی بهتر شرایط آتی بازار و اتخاذ تصمیمات هوشمندانه‌تر، موجب افزایش کارایی و ارتقای شاخص‌های عملکردی شرکت می‌شوند. در واقع، قدرت مدیرعامل عاملی تسهیلگر در خلق ارزش و افزایش بازده مالی شرکت‌ها است (کانچل و همکاران^۱، ۲۰۲۵).

در دوران اقتصاد دیجیتال، که فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، داده‌کاوی و سیستم‌های تصمیم‌یار به‌طور فزاینده‌ای بر فرآیندهای مالی تأثیر می‌گذارند، توانمندی مدیران عامل در ایجاد هم‌افزایی میان منابع انسانی، فناوری و مالی، می‌تواند نقش مهمی در بهبود عملکرد مالی شرکت ایفا کند. مدیران عامل با قدرت بیشتر قادرند با استفاده از تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر داده و واکنش سریع به تغییرات محیطی، فرصت‌های فناوری را به مزیت رقابتی مالی تبدیل کنند. این ویژگی به‌ویژه در صنعت بانکداری که به‌طور خاص در معرض تحولات دیجیتال قرار دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (مهران و المر^۲، ۲۰۲۴).

در عین حال، برخی پژوهش‌ها بیان کرده‌اند که تمرکز بیش‌ازحد قدرت در دست مدیرعامل می‌تواند منجر به کاهش شفافیت و تضعیف نظارت هیئت‌مدیره گردد و در نهایت آثار منفی بر عملکرد مالی بر جای گذارد (میلنک^۳، ۲۰۲۴). از این‌رو، رابطه بین قدرت مدیرعامل و عملکرد مالی می‌تواند ماهیتی دوگانه داشته باشد و به ساختار حاکمیت شرکتی، نظام نظارتی و سطح بلوغ دیجیتال سازمان وابسته باشد.

به‌طور کلی، انتظار می‌رود که در شرایط اقتصاد دیجیتال، قدرت مدیرعامل از طریق افزایش سرعت تصمیم‌گیری، ارتقای بهره‌وری منابع و توان پاسخگویی سریع به تغییرات محیطی، عملکرد مالی شرکت‌ها را بهبود بخشد. بر این مبنا، فرضیه پژوهش حاضر به‌صورت زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اول: بین قدرت مدیرعامل و عملکرد مالی در دوران اقتصاد دیجیتال رابطه معناداری وجود دارد.

نقش تعدیلگری محدودیت‌های مالی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و عملکرد مالی در دوران اقتصاد دیجیتال

در عصر حاضر و در دنیای رقابتی کسب‌وکار، شرکت‌ها همواره در تلاش‌اند تا مزیت‌های رقابتی شایسته‌ای شناسایی و جذب کنند و در این مسیر، نقش مدیرعامل به‌عنوان یکی از قدرتمندترین سمت‌ها در سازمان حیاتی و تعیین‌کننده است (اودات و باسول^۴، ۲۰۲۴). انتظار می‌رود مدیرعامل بتواند ثروت سهامداران را حداکثر کرده و فرصت‌های آینده را برای آنان فراهم کند. قدرت مدیرعامل به‌طور مستقیم بر عملکرد شرکت تأثیرگذار است؛ مدیران قدرتمند با توانایی تصمیم‌گیری و کنترل منابع، قادرند هزینه‌های تأمین مالی را کاهش دهند، حاکمیت شرکتی را بهبود بخشند، پروژه‌های سرمایه‌گذاری مطلوب‌تر را انتخاب کنند و عملکرد مالی شرکت را ارتقا دهند (احدیات^۵ و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین، جدایی مالکیت از مدیریت می‌تواند منجر به بروز تضاد منافع بین مدیران و مالکان شود؛ بنابراین مدیران باید به کاهش مشکلات نمایندگی توجه ویژه داشته باشند (میلز و ونواز^۶، ۲۰۲۳).

¹ Khanchel

² Mahran & Elamer

³ Melnyk

⁴ Odat & Bsoul

⁵ Ahadiat

⁶ Melis & Nawaz

سازوکارهای حاکمیت شرکتی در صورتی که به درستی اجرا شوند، می‌توانند تصمیم‌گیری‌های بهینه را تسهیل کرده و ارزش شرکت را در بلندمدت افزایش دهند (وانگ^۱، ۲۰۲۳). در این راستا، قدرت مدیرعامل نقش کلیدی در تأثیرگذاری بر عملکرد شرکت‌ها دارد و درک سرمایه‌گذاران از این قدرت نیز می‌تواند منجر به موفقیت سرمایه‌گذاری و بهبود عملکرد شود (زاینه^۲، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، یکی از اهداف اصلی تأمین مالی در شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور به‌منظور افزایش ثروت سهامداران و ارتقای عملکرد مالی است. تأمین مالی می‌تواند به دو شکل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی انجام شود؛ تأمین مالی درون‌سازمانی به استفاده از منابع داخلی شرکت اشاره دارد، در حالی که تأمین مالی برون‌سازمانی شامل انتشار اوراق بدهی یا سهام است. در عمل، بازارهای مالی کامل نیستند و افراد داخل سازمان نسبت به سرمایه‌گذاران برون‌سازمانی، اطلاعات بیشتری درباره پروژه‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری دارند (سان و ژنو^۳، ۲۰۲۱). همچنین محدودیت مالی محدودیت‌هایی می‌باشند که از تأمین همه وجوه موردنیاز سرمایه‌گذاری مطلوب شرکت جلوگیری می‌کند (شهبازی صیقلده و اسکندری، ۱۴۰۴) در واقع محدودیت‌های مالی زمانی ایجاد می‌شوند که شرکت‌ها نتوانند به منابع کافی برای تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری دسترسی پیدا کنند و این امر می‌تواند اثر مثبت قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی را تعدیل کند (سینگ و شارما^۴، ۲۰۲۲). در این شرایط، مدیران قدرتمند با بهره‌گیری از توان تصمیم‌گیری و تجربه خود، منابع محدود را به شیوه‌ای بهینه تخصیص داده و پروژه‌های سودآور را اولویت‌بندی می‌کنند. به عبارت دیگر، محدودیت مالی به‌عنوان عامل تعدیل‌کننده، شدت و دامنه اثر قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت‌ها را تعیین می‌کند و اثر مثبت قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی در شرکت‌هایی که با محدودیت مالی مواجه‌اند، ممکن است شدت و دامنه متفاوتی نسبت به شرکت‌های بدون محدودیت داشته باشد (شیکوروا و همکاران^۵، ۲۰۲۲).

بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شوند:

فرضیه پژوهش: محدودیت‌های مالی رابطه بین قدرت مدیرعامل و عملکرد مالی در دوران اقتصاد دیجیتال را تعدیل می‌کند.

در سال‌های اخیر، پژوهشگران توجه ویژه‌ای به نقش سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت در تقویت عملکرد مالی شرکت‌ها نشان داده‌اند؛ ژنو^۶ و همکاران (۲۰۲۴) دریافتند که شرکت‌ها این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را عمدتاً با هدف کسب بازدهی بالا و سودآوری انجام می‌دهند و انگیزه «پس‌انداز سرمایه» باعث می‌شود کمبود منابع در کسب‌وکار اصلی از طریق این سرمایه‌گذاری‌ها جبران شده و نقدینگی شرکت حفظ گردد. با گذر زمان و در مواجهه با شرایط نامطمئن اقتصادی، اهمیت این سرمایه‌گذاری‌ها بیش‌تر شد؛ لیثو^۷ و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند که سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت به دلیل نقدینگی و بازده بالای خود، هزینه‌های مالی شرکت‌ها را کاهش داده و بازده

¹ Wang

² Zhu

³ Sun & Zou

⁴ Singh & Sharma

⁵ Shirokova

⁶ Zhu

⁷ Liu

سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند و مدیریت بهینه این منابع، کلید ارتقای کارایی و عملکرد مالی شرکت‌ها در محیط‌های پر نوسان است. اما در مواجهه با بحران‌های مالی، شرکت‌ها رفتار محافظه‌کارانه‌تری اتخاذ می‌کنند؛ لی^۱ و همکاران (۲۰۲۳) دریافتند که در چنین شرایطی، شرکت‌ها تمایل دارند سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت خود را افزایش دهند تا نقدینگی خود را حفظ کرده و ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش دهند، به‌گونه‌ای که مدیریت محتاطانه این منابع، ثبات و عملکرد مالی شرکت‌ها را در شرایط نامطمئن تضمین می‌کند. در کنار این تصمیمات مالی، قدرت مدیرعامل نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به استراتژی‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند؛ میشر^۲ (۲۰۱۹) نشان داد که شرکت‌هایی با مدیرعامل قدرتمند، توانایی شناسایی فرصت‌های نوآوری و سرمایه‌گذاری مطلوب را دارند و اگرچه نوآوری در ابتدای مسیر ممکن است با افت مواجه شود، با افزایش قدرت تصمیم‌گیری و توان عملیاتی مدیرعامل، سرمایه‌گذاری‌ها بازده بالاتری پیدا کرده و عملکرد مالی شرکت بهبود می‌یابد. این یافته‌ها در سطح بین‌المللی نیز تأیید شده است؛ نام و یوچیدا^۳ (۲۰۱۹) با بررسی بیش از ۲۱ هزار شرکت در ۴۰ کشور دریافتند که حساب‌های پرداختی و اعتبار تجاری می‌توانند مانع کاهش عملکرد مالی شرکت‌ها در طول بحران‌های مالی شوند، به‌ویژه در کشورها و شرکت‌هایی که دیدگاه بلندمدت داشته و روابط مالی پایدار برقرار است. اسانته دارکو^۴ و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که موجودی نقدی شرکت نقش محافظتی دارد و می‌تواند عملکرد مالی را حتی در شرایط محدودیت‌های تأمین مالی بهبود بخشد، درحالی‌که لی^۵ و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که شرکت‌هایی با مدیرعامل قدرتمند می‌توانند فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهتر و سودآورتر شناسایی کنند و این فرصت‌ها در شرکت‌های با موقعیت مالی قوی تأثیر بیشتری بر عملکرد مالی دارند. علاوه بر این، گریکلینبرگ^۶ و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشورها و بازارهای توسعه‌یافته، اثرات نامطلوب بحران‌ها را بر عملکرد مالی کاهش می‌دهد و بنا^۷ و همکاران (۲۰۱۸) تأکید کردند که حفظ اشتغال و مدیریت هوشمند فرآیند نوآوری می‌تواند عملکرد مالی را در شرایط سخت حفظ کند و با بهره‌گیری از سرمایه دانش، اثرات نامطلوب افزایش سختی کار کاهش یابد. در نهایت، این شواهد یک جریان پژوهشی منسجم را روایت می‌کنند که نشان می‌دهد ترکیب قدرت مدیرعامل، مدیریت هوشمندانه سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و اتخاذ سیاست‌های محتاطانه مالی، کلید مقاومت شرکت‌ها در برابر بحران‌ها و تقویت عملکرد مالی آن‌ها است و تصمیمات هوشمندانه در شرایط نامطمئن، عامل اصلی پایداری و موفقیت سازمان‌ها به شمار می‌آید.

حیدری و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی جامع به تحلیل اثر سنگربندی مدیریت بر سررسید بدهی شرکت‌ها پرداختند و نشان دادند که مدیران جبهه‌گیر با اولویت‌دهی به حفظ موقعیت شغلی خود، سررسید بدهی‌ها را طولانی‌تر می‌کنند، امری که موجب افزایش ریسک و هزینه‌های سهامداران می‌شود، درحالی‌که محدودیت‌های

¹ Li

² Mishra

³ Nam & Uchida

⁴ Asante-Darko

⁵ Lee

⁶ Geyer-Klingenberg

⁷ Bena

مالی نقش میانجی جزئی در این رابطه ایفا کرده و وابستگی شرکت به دولت اثر این تعامل را تضعیف می‌کند، تأکیدی بر اهمیت زمینه نهادی و ساختاری در شکل‌دهی به رفتارهای مدیریتی. طاهری (۱۴۰۲) در پژوهشی دیگر اثر محدودیت‌های مالی بر استراتژی‌های تأمین مالی شرکت‌ها را با تأکید بر نقش تعدیل‌گر حاکمیت شرکتی بررسی کرد و دریافت که محدودیت‌های مالی رابطه منفی و معناداری با معاملات با اشخاص وابسته و رابطه مثبت و معناداری با ساختار سرمایه دارد و حاکمیت شرکتی صرفاً در رابطه بین محدودیت‌های مالی و ساختار سرمایه نقش تعدیل‌کننده ایفا می‌کند، نشان‌دهنده این که حاکمیت مؤثر می‌تواند اثرات نامطلوب محدودیت‌های مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی شرکت‌ها را کاهش دهد و ثبات و کارایی مالی را ارتقا بخشد. داداشی و پورعلی (۱۴۰۱) با تمرکز بر ریسک‌پذیری و محدودیت‌های مالی نشان دادند که ریسک‌پذیری به‌طور معناداری بازده دارایی‌ها و نسبت کیو توبین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این اثر در شرایط محدودیت‌های مالی تعدیل می‌شود، روشن‌کننده نقش کلیدی قدرت مدیرعامل در هدایت منابع و تصمیمات مالی شرکت. شقاقی و مشایخ (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی تخصصی رابطه بیش‌اعتمادی مدیرعامل با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت را تحلیل کردند و دریافتند که بیش‌اعتمادی مدیرعامل با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه مثبت و معناداری دارد، اما همین بیش‌اعتمادی اثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت را تضعیف می‌کند، درحالی‌که محدودیت‌های مالی نقش تعدیل‌کننده‌ای در این رابطه ایفا نمی‌کنند و اهمیت تعامل عوامل رفتاری و ساختاری مدیریت در تعیین عملکرد مالی شرکت‌ها را برجسته می‌سازد. مطالعات پیشین نیز حاکی از آن است که ویژگی‌ها و قدرت تصمیم‌گیری مدیرعامل اثر عمیقی بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارند؛ روستا و بزرگ‌اصل (۱۳۹۸) نشان دادند که قدرت مدیرعامل ارزش‌نهایی وجه نقد را افزایش می‌دهد و این اثر در شرکت‌های دارای حاکمیت قوی و محدودیت مالی برجسته‌تر است، گرد و همکاران (۱۳۹۷) دریافتند که توانایی مدیریت به‌طور قابل‌توجهی ارزش حاشیه‌ای وجه نقد را ارتقا می‌دهد، درحالی‌که صالحی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که توانایی مدیرعامل رابطه معناداری با ارزش شرکت ندارد و پاداش مدیران در بازار ناکارای بورس تهران بیشتر تحت تأثیر عوامل روانی و سیاسی است، ولی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) با بهره‌گیری از شبکه‌های عصبی مصنوعی نشان دادند که توانایی مدیریت می‌تواند ارزش‌آفرینی و عملکرد مالی شرکت‌ها را پیش‌بینی کند و اثر آن در صنایع مختلف متفاوت است؛ از این منظر، پیشینه‌ها به‌طور یکپارچه نشان می‌دهند که قدرت و رفتار مدیرعامل، همراه با محدودیت‌های مالی و کیفیت حاکمیت شرکتی، نقش تعیین‌کننده و غیرقابل‌انکاری در شکل‌دهی به عملکرد مالی شرکت‌ها، تصمیمات تأمین مالی، ریسک‌پذیری و تخصیص بهینه منابع دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از منظر روش‌شناسی، از نوع شبه تجربی و پس‌رویدادی است و در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری قرار می‌گیرد. این مطالعه بر داده‌های واقعی استوار است و با توجه به قابلیت کاربرد آن در فرآیند استفاده از اطلاعات، در دسته تحقیقات کاربردی نیز جای می‌گیرد. گردآوری اطلاعات اولیه از طریق مرور کتابخانه‌ای صورت پذیرفت و داده‌های نظری از پایگاه‌های علمی، مقالات داخلی و خارجی و پایان‌نامه‌ها استخراج شد. برای تأمین

داده‌های موردنیاز جهت آزمون فرضیه‌ها، از سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) استفاده گردید. دوره زمانی مطالعه، ده ساله و شامل سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ است و برای آماده‌سازی و پردازش داده‌ها، نرم‌افزار اکسل به کار گرفته شد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق: جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

روش نمونه‌گیری در بخش کمی: بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: بانک اقتصاد نوین، بانک ایران زمین، بانک آینده، بانک پارسیان، بانک پاسارگاد، پست بانک، بانک تجارت، بانک خاورمیانه، بانک دی، بانک رسالت، بانک رفاه، بانک سامان، بانک سرمایه، بانک سینا، بانک شهر، بانک صادرات، بانک کارآفرین، بانک گردشگری و بانک ملت.

مدل پژوهش و اندازه‌گیری متغیرها

برای بررسی فرضیه‌ها به ترتیب از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{Bank performance}_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 \text{CEOPower} + \beta_2 \text{SIZE} + \beta_3 \text{ROE} + \beta_4 \text{GROWTH} + \beta_5 \text{ROA} + \beta_6 \text{QTOBIN} \\ &+ \beta_7 \text{AGE} + \sum_{1394}^{1403} \text{Year} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$\begin{aligned} \text{Bank performance}_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 \text{CEOPower} + \beta_1 \text{CON} + \beta_1 \text{CEOPower} \times \text{CON} + \beta_2 \text{SIZE} + \beta_3 \text{ROE} \\ &+ \beta_4 \text{GROWTH} + \beta_5 \text{ROA} + \beta_6 \text{QTOBIN} + \beta_7 \text{AGE} + \sum_{1394}^{1403} \text{Year} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{مدل (۲)}$$

متغیر وابسته

عملکرد بانک‌ها در دوران اقتصاد دیجیتال با شاخص‌هایی مانند رضایت مشتری در بستر دیجیتال، تعداد و رشد کاربران دیجیتال، حجم معاملات دیجیتال، نرخ تبدیل کاربران به مشتریان فعال، نرخ ترک کاربران، امنیت و حریم خصوصی، نوآوری فناوری و تأثیر فناوری بر بهره‌وری و هزینه‌ها اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص‌ها با مدل نهایی تبدیل شده و عملکرد کمی بانک‌های بورسی در هر سال محاسبه می‌شود. این شاخص‌ها به صورت چک‌لیست جمع‌آوری شده و با مدل نهایی تبدیل می‌شوند تا عملکرد کمی بانک‌های بورسی در هر سال محاسبه گردد.

متغیرهای مستقل

CEOPower) قدرت مدیرعامل:

برای قدرت مدیرعامل دو معیار زیر در نظر گرفته شده و مجموع این روش نشان دهنده قدرت مدیرعامل است (کرمامی^۱ و همکاران، ۲۰۱۷):

(۱) پاداش مدیرعامل: اگر پاداش دریافتی توسط مدیرعامل بیش از میانه پاداش سایر مدیران شرکت‌های نمونه باشد، این معیار مقدار یک گرفته در غیر این صورت صفر است.

(۲) دوره تصدی مدیرعامل: اگر دوره تصدی مدیرعامل بیشتر از میانه نمونه تحقیق باشد مقدار این معیار یک در غیر این صورت صفر است.

(CON) محدودیت مالی: کاپلان و زینگالاس (۱۹۹۸) بر روی معیارهای دارای محدودیت در تأمین مالی، شاخصی را ارائه نموده که بر اساس آن می‌توان شرکت‌هایی را که در تأمین مالی محدودیت دارند، شناسایی نمود. بر اساس این شاخص، شرکت‌هایی که دارای بیشترین مقادیر حاصل از این شاخص باشند دارای بیشترین محدودیت در تأمین مالی ارزیابی می‌گردند به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$Z = -1.002 \times \left(\frac{\text{Cash Flow}}{\text{Total Asset}} \right) + 0.283 \times \frac{M}{B} + 3.139 \times \left(\frac{\text{Debt}}{\text{Total Capital}} \right) - 39.368 \times \left(\frac{\text{Div}}{\text{Total Asset}} \right) - 1.315 \times \left(\frac{\text{Cash Holding}}{\text{Total Asset}} \right)$$

مدل (۳)

Total Assets: کل دارایی‌ها، Debt: کل بدهی‌ها، Total Capital: کل خالص ارزش دفتری، Div: سود تقسیمی، Cash Holding: وجه نقد نگه داشته شده، Cash Flow: جریان نقد عملیاتی.

پس از محاسبه مقادیر KZ برای هر شرکت - سال، مقادیر از کوچک‌ترین به بزرگ‌ترین مرتب و سپس به پنج قسمت تقسیم می‌شود که شرکت - سال‌های حاضر در پنجم چهار و پنج را شرکت - سال‌های دچار محدودیت مالی شناسایی کرد متغیرهای کنترلی (آندرو، ۲۰۱۷)

(ROA) بازده دارایی: سود خالص بر کل دارایی‌ها؛ (ROE) بازده حقوق صاحبان سهام: سود خالص بر حقوق صاحبان سهام؛ (LEV) اهرم مالی: کل بدهی‌ها بر جمع دارایی‌ها؛ (SIZE) اندازه شرکت: لگاریتم مجموع دارایی‌ها؛ (AGE) عمر شرکت: تعداد سال‌های تأسیس بانک. (QTOBIN) ارزش شرکت: حاصل جمع ارزش بازار سهام و ارزش دفتری بدهی‌ها تقسیم بر ارزش دفتری دارایی‌ها می‌آید (GROWTH) رشد: میانگین رشد سالانه سود قبل از مالیات و فروش طی سه سال گذشته (لی، ۲۰۱۸).

¹ Korkeamäki

پشتیبانی از خدمات	خدمات تجاری			خدمات جستجو			خدمات نمایشی			ات امنیتی
روش‌های توسعه	سفارش	ثبت هدیه	تشویق	جستجو	فیلترینگ	ارائه توصیه	بصری سازی	تست A/B	طراحی وب	
ابزارهای توسعه	ایجاد یکپارچگی در سازمان			خدمات محتوایی			خدمات مرتبط با پرتال			SSO
	API ها	میکروسرویس‌ها	سایر موارد	جریان کاری	متادینا	رده‌بندی				
مدیریت پیکره-بندی	خدمات جریان کاری			مدیریت تعاملات			خدمات شخصی سازی			حقوق
	موتور قوانین	اتوماسیون جریان کاری	مدیریت کسب‌وکار	پیام‌رسان	ایمیل	رتبه‌بندی	هوش مصنوعی (AI)	اعلان	خدمات مرتبط با مکان	احراز هویت/مجوز ورود
مدیریت انتشار نسخه جدید	مدیریت جریان کاری			وبلاگ، سایت یا نرم‌افزار آنلاین	تعاملات بر پایه دانش	بازخورد نظرسنجی‌ها بررسی‌ها	تعیین سطح دسترسی	مدیریت تجهیزات	جستجوی پیشنهادی	
خدمات ار تقای سطح تجربه‌ی کاربر	خدمات مدیریت داده			خدمات ار تقای سطح تجربه‌ی کاربر						احراز هویت بیومتریک
	واقعیت مجازی (VR)	واقعیت افزوده (AR)	واقعیت مجازی (VR)	واقعیت افزوده (AR)	واقعیت مجازی (VR)	واقعیت افزوده (AR)	واقعیت مجازی (VR)	واقعیت افزوده (AR)		
خدمات تحلیلی و ایجاد بینش	خدمات بازاریابی			خدمات تحلیلی و ایجاد بینش						تأمین کنندگان کاربران
یکپارچگی پوسته	کشف تقلب/ریسک	تحلیلی وب	کشف تقلب/ریسک	تحلیلی وب	کشف تقلب/ریسک	تحلیلی وب	کشف تقلب/ریسک	کشف تقلب/ریسک	مدیریت اعطای گواهی	
توسعه خدمات باز	ابزارهای خود یادگیرنده									
ارزیابی پوسته	یادگیری	پردازش زبان طبیعی	سیستم‌های توصیه‌گر مبتنی بر AI			تشخیص چهره	تحلیل متن	درگاه‌های معتبر		

یافته‌ها

آمار توصیفی

جدول شماره (۱) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. عملکرد مالی دیجیتال بانک‌ها در سطح متوسط ارزیابی می‌شود که حاکی از مدیریت نسبتاً موفق فعالیت‌ها با بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال است. قدرت مدیرعامل در برخی بانک‌ها بالاست و این امر نشان‌دهنده نقش برجسته تصمیم‌گیری و کنترل

مدیریتی در شکل‌دهی به استراتژی‌های عملیاتی و سیاست‌های سرمایه‌گذاری است. محدودیت‌های مالی در سطح پایین تا متوسط قرار دارد، که بیانگر توان بانک‌ها در مدیریت منابع و کاهش اثرات محدودیت‌های تأمین مالی است. شاخص‌های بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام پراکندگی نسبی دارند و تفاوت عملکرد سودآوری میان بانک‌ها را آشکار می‌سازند؛ برخی بانک‌ها در بهره‌وری دارایی‌ها و بازده سرمایه سهامداران عملکرد بهتری دارند. اهرم مالی انعکاسی از تنوع استفاده از بدهی‌ها برای تأمین منابع است و در برخی بانک‌ها ریسک مالی بالاتری مشاهده می‌شود. اندازه و عمر بانک‌ها نمایانگر تجربه و مقیاس فعالیت‌های آنان است و بانک‌های بزرگ‌تر و با سابقه طولانی‌تر معمولاً توانایی بهتری در مدیریت دارایی‌ها و سودآوری دارند. نهایتاً، ارزش شرکت و میزان رشد سالانه، وضعیت نسبی بازار و توسعه عملیاتی بانک‌ها را منعکس می‌کند و بانک‌هایی که ارزش بازار و رشد بالاتری دارند، توانسته‌اند عملکرد مالی و توسعه عملیاتی خود را ارتقا دهند و جایگاه رقابتی مطلوب‌تری در محیط کسب‌وکار کسب کنند.

جدول ۱- آمار توصیفی

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کوچکترین
عملکرد مالی دیجیتال	Bank performance	۲/۶۱	۲/۰۱	۷/۰۰	۰/۰۰۰
قدرت مدیرعامل	CEO Power	۰/۵۴۰	۱/۰۰	۲/۰۰	۰/۰۰۰
محدودیت مالی	CON	۰/۴۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰
بازده دارایی	ROA	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۲۱	۰/۰۱
بازده صاحبان سهام	ROE	۰/۲۶	۰/۲۴	۹/۴۹	۰/۰۷
اندازه شرکت	SIZE	۲۰/۸۶	۱۹/۸۶	۲۳/۱۵	۱۷/۱۷
عمر شرکت	AGE	۲۲/۰۰	۲۳/۰۰	۷۲/۰۰	۵/۰۰
اهرم مالی	LEV	۱/۰۴	۰/۹۸	۴/۴۲	۰/۸۴
ارزش شرکت	QTOBIN	۱/۶۹	۱/۴۹	۸/۵۷	۰/۵۸
رشد	GROWTH	۰/۶۷	۰/۷۴	۵/۴۲	-۰/۱۳۱

آزمون انتخاب الگوی مناسب

قبل از برآورد مدل‌ها، ضروری است از آزمون چاو (F لیمر) استفاده شود تا نوع مدل مناسب، اثرات تصادفی یا اثرات ثابت، تعیین گردد. در صورتی که آماره F در سطح خطای ۵ درصد معنادار باشد، فرض صفر مبنی بر مناسب بودن مدل اثرات تصادفی رد شده و مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون چاو در جدول شماره ۲ ارائه شده و نشان می‌دهد که استفاده از مدل اثرات ثابت ارجحیت دارد.

جدول ۲- نتایج آزمون چاو (F لیمر)

نتایج آزمون هاسمن			نتایج آزمون چاو (F لیمر)			
روش پذیرفته شده	سطح معناداری	آماره	روش پذیرفته شده	سطح معناداری	آماره	مدل
اثرات ثابت	۰/۰۰	۷۵/۱۲۳	اثرات ثابت	۰/۰۰	۵/۸۰	مدل ۱
اثرات ثابت	۰/۰۰	۸۶/۲۲	اثرات ثابت	۰/۰۰	۶/۱۰	مدل ۲

آزمون ناهمسانی واریانس

برای بررسی وجود ناهمسانی واریانس، از آزمون والد تعدیل استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۳ نشان می‌دهد که مقدار احتمال محاسبه شده بیشتر از ۵ درصد است؛ بنابراین، مشکل ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

جدول ۳- آزمون والد

نتیجه	آماره	سطح معناداری	فرضیه
ناهمسانی ندارد	۱/۶۴	۰/۲۳	۱
ناهمسانی ندارد	۰/۵۸	۰/۴۸	۲

آزمون فرضیه‌ها

مقدار آماره F در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که قدرت مدیرعامل تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد بانک‌ها دارد، به گونه‌ای که افزایش اختیارات و نفوذ مدیرعامل باعث بهبود هدایت استراتژی‌ها و تصمیم‌گیری‌های عملیاتی و در نتیجه ارتقای عملکرد مالی دیجیتال بانک‌ها می‌شود. همچنین، شاخص‌های بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام نیز اثر مثبت و معناداری دارند، که بیانگر نقش مستقیم سودآوری در ارتقای کارایی عملیات و تصمیمات سرمایه‌گذاری است. متغیرهای اندازه و عمر بانک‌ها نیز معنادار بوده و اثرات متفاوتی دارند؛ اندازه بانک‌ها اثر منفی و عمر اثر مثبت دارد. این بدان معناست که بانک‌های بزرگ‌تر به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری ممکن است عملکرد دیجیتال کمتری داشته باشند، در حالی که بانک‌های با سابقه طولانی‌تر با تجربه مدیریت منابع و فرآیندهای مالی دیجیتال، عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند. اهرم مالی، ارزش شرکت و رشد سالانه نیز تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد دارند و نشان می‌دهند که بانک‌هایی که ساختار سرمایه متنوع، ارزش بازار بالاتر و رشد مستمر دارند، قادرند فعالیت‌های دیجیتال خود را کارآمدتر مدیریت کنند. آماره F (سطح معناداری = ۰.۰۰۰) حاکی از معناداری کلی مدل است، ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر آن است که ۶۷ درصد از تغییرات عملکرد بانک‌ها توسط متغیرهای توضیحی مدل تبیین می‌شود. آماره دوربین واتسون (۱.۹۷) نیز نشان می‌دهد که مشکل خودهمبستگی در داده‌ها وجود ندارد. به‌طور کلی، یافته‌ها فرضیه اول را تأیید کرده و بیان می‌کنند که قدرت مدیرعامل نقش کلیدی در ارتقای عملکرد مالی بانک‌ها در بستر دیجیتال دارد و این اثر تحت تأثیر متغیرهای مالی و ساختاری بانک‌ها تقویت می‌شود.

جدول ۴- آزمون فرضیه اول

متغیر	نماد	ضریب	آماره T	سطح معناداری	VIF
جز ثابت	β	۵/۸۳	۱۳/۹۶	۰/۰۰	۱/۰۸
قدرت مدیرعامل	CEO Power	۰/۱۹	۲/۳۸	۰/۰۱	۱/۱۸
بازده دارایی	ROA	۰/۳۹	۲/۸۶	۰/۰۰۴	۱/۱۱
بازده صاحبان سهام	ROE	-۰/۰۰۳	-۳/۸۲	۰/۰۰	۱/۰۵
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۴۰	-۱۲/۳۵	۰/۰۰	۱/۰۸
عمر شرکت	AGE	۰/۰۷	۱۱/۴۱	۰/۰۰	۱/۱۲
اهرم مالی	LEV	۵/۸۳	۱۳/۹۶	۰/۰۰	۱/۲۲
ارزش شرکت	QTOBIN	۰/۲۳	۳/۳۵	۰/۰۰	۱/۳۸
رشد	GROWTH	۰/۳۵	۴/۳۵	۰/۰۰	۱/۱۴
آماره F	۱۸/۳۳	سطح معناداری	۰/۰۰	دوربین واتسون	۱/۹۷
ضریب تعیین	۰/۷۳	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۰	۶۷۰	

جدول ۵- آزمون فرضیه دوم

متغیر	نماد	ضریب	آماره T	سطح معناداری	VIF
جز ثابت	β	۵/۴۶	۵/۳۹	۰/۰۰	-
قدرت مدیرعامل	CEO Power	۰/۱۶	۲/۲۸	۰/۰۲	۲/۱۸
محدودیت مالی	CON	-۰/۰۸	-۳/۹۲	۰/۰۰	۲/۱۰
قدرت مدیرعامل* محدودیت مالی	CON*CEO Power	-۰/۱۲	-۳/۰۲	۰/۰۰	۳/۱۰
بازده دارایی	ROA	۰/۴۸	۲/۲۷	۰/۰۲	۱/۱۵
بازده صاحبان سهام	ROE	-۰/۰۰۴	-۳/۴۶	۰/۰۰	۱/۰۸
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۳۷	-۷/۷۵	۰/۰۰	۱/۰۸
عمر شرکت	AGE	۰/۰۶	۳/۸۱	۰/۰۰	۱/۲۳
اهرم مالی	LEV	۰/۵۵	۶/۱۵	۰/۰۰	۱/۰۶
ارزش شرکت	QTOBIN	۰/۲۳	۳/۳۵	۰/۰۰	۱/۴۱
رشد	GROWTH	۰/۳۵	۴/۳۵	۰/۰۰	۱/۷۴
آماره F	۲۴/۲۹	سطح معناداری	۰/۰۰	دوربین واتسون	۲/۱۲
ضریب تعیین	۰/۸۱	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۰	۰/۷۶	

مقدار آماره F در جدول ۵ بیان‌کننده نتایج رگرسیون فرضیه دوم نشان می‌دهد که محدودیت‌های مالی تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد بانک‌ها دارند و با افزایش محدودیت‌ها، توانایی بانک‌ها در مدیریت فعالیت‌های دیجیتال کاهش می‌یابد ($\beta = -0.08$). قدرت مدیرعامل به‌طور مستقیم اثر مثبت و معناداری بر عملکرد دارد ($\beta = 0.16$), اما اثر تعاملی قدرت مدیرعامل و محدودیت مالی منفی است ($\beta = -0.12$), که نشان می‌دهد محدودیت‌های مالی می‌توانند بخشی از اثر مثبت مدیرعامل را تضعیف کنند.

شاخص‌های سودآوری، اهرم مالی، ارزش شرکت و رشد سالانه نیز تأثیر مثبت و معناداری دارند، درحالی‌که اندازه بانک اثر منفی و عمر بانک اثر مثبت دارد. آزمون F مدل و ضریب تعیین نشان می‌دهد که مدل کلی معنادار است و بخش عمده تغییرات عملکرد بانک‌ها توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌شود. به‌طور کلی، یافته‌ها تأیید می‌کنند که محدودیت‌های مالی عملکرد بانک‌ها را محدود می‌کند، هرچند قدرت مدیرعامل نقش مهمی در هدایت استراتژی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

وجوه نقد یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین منابع هر واحد تجاری به شمار می‌رود و حفظ تعادل میان نقدینگی موجود و نیازهای نقدی، نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری و عملکرد مالی بانک‌ها دارد. بانک‌هایی که با محدودیت مالی روبه‌رو هستند، ناچار به نگهداری سطح بالاتری از موجودی نقد می‌باشند، درحالی‌که بانک‌های فاقد محدودیت مالی قادرند بخش بیشتری از منابع خود را به فعالیت‌های سودآور و سرمایه‌گذاری‌های دیجیتال اختصاص دهند. عدم تعادل میان سطح نقدینگی و میزان سرمایه‌گذاری می‌تواند به افزایش هزینه‌ها، کاهش توان رقابتی و بروز مشکلات عملیاتی منجر شود. در چنین بستری، اهمیت نقش مدیرعامل و توانایی او در مدیریت منابع و هدایت صحیح فعالیت‌های بانک، به‌ویژه در شرایط تحول اقتصاد دیجیتال، بیش از پیش برجسته می‌شود.

بر همین اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد مالی بانک‌ها در دوران اقتصاد دیجیتال با توجه به محدودیت‌های مالی بود. در این چارچوب، این پژوهش تلاش کرد روشن سازد که قدرت مدیرعامل چگونه و تحت چه شرایطی می‌تواند عملکرد مالی دیجیتال بانک‌ها را ارتقا دهد و به‌ویژه نقش محدودیت‌های مالی در شکل‌دهی به این رابطه چیست. به بیان دیگر، تمرکز این پژوهش بر تبیین سازوکاری بود که طی آن قدرت و نفوذ مدیرعامل در شرایط محدودیت منابع مالی می‌تواند به بهبود مدیریت نقدینگی، تخصیص بهینه منابع و ارتقای عملکرد دیجیتال منجر شود.

نتایج پژوهش نشان داد که قدرت مدیرعامل تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی دیجیتال بانک‌ها دارد. مدیران مقتدر با بهره‌گیری از توان تصمیم‌گیری بالا، نفوذ سازمانی گسترده و تسلط بر فرایندهای عملیاتی، قادرند پروژه‌های دیجیتال را با کارایی بیشتری هدایت کرده، فرصت‌های فناوری را شناسایی کنند و از منابع محدود به شیوه‌ای بهینه استفاده نمایند. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین همچون مهدوی و صابری اسفرجانی (۱۳۹۵)، پیری و همکاران (۱۳۹۳) و کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۹۴) همسو است که بر نقش مهم مدیریت در بهره‌برداری مناسب از وجوه نقد و حمایت از فرایندهای نوآورانه تأکید کرده‌اند.

دوران اقتصاد دیجیتال، بانک‌ها را با ضرورت افزایش سرمایه‌گذاری در فناوری، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، بهبود کیفیت خدمات الکترونیکی و حرکت به سمت بانکداری داده‌محور مواجه کرده است. در چنین شرایطی، داشتن مدیرعاملی قدرتمند و آگاه به تحولات دیجیتال، می‌تواند مسیر رشد و تحول سازمانی را هموار کند. توانایی در مدیریت جریان نقدینگی، تصمیم‌گیری مبتنی بر داده، کاهش ریسک‌های فناورانه و تخصیص صحیح منابع، از جمله اثراتی است که مدیران مقتدر بر عملکرد مالی دیجیتال بانک‌ها بر جای می‌گذارند.

نتایج مربوط به بررسی نقش محدودیت‌های مالی نیز نشان داد که این متغیر به‌عنوان یک عامل تعدیل‌گر تأثیر قابل توجهی بر رابطه قدرت مدیرعامل و عملکرد مالی دیجیتال دارد. در بانک‌هایی که با محدودیت منابع مالی روبه‌رو هستند، نقش مدیرعامل مقتدر برجسته‌تر می‌شود؛ زیرا اتخاذ تصمیمات استراتژیک صحیح، اولویت‌بندی پروژه‌های دیجیتال، مدیریت دقیق نقدینگی و اجتناب از اتلاف منابع، برای موفقیت حیاتی است. تأیید نقش تعدیل‌کنندگی محدودیت‌های مالی نشان می‌دهد که هرچه فشار مالی بیشتر باشد، نیاز بانک به یک مدیرعامل توانا و مقتدر نیز افزایش می‌یابد.

این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد. چاندرا (۲۰۱۹) نشان داد که مدیران قدرتمند قادرند فرصت‌های نوآوری و سرمایه‌گذاری سودآور را شناسایی کرده و بازده مالی شرکت‌ها را افزایش دهند. لی و همکاران (۲۰۱۸) بیان کردند شرکت‌هایی که مدیرعامل مقتدر دارند، در شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری عملکرد بهتری دارند. در پژوهش‌های داخلی نیز روستا و بزرگ‌اصل (۱۳۹۸) تأکید کردند که قدرت مدیرعامل می‌تواند ارزش نهایی وجه نقد را افزایش دهد؛ یافته‌ای که در شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی و محدودیت‌های مالی شدید بیشتر دیده می‌شود. گرد و همکاران (۱۳۹۷) نیز بیان کردند توانایی مدیریت نقش مهمی در افزایش ارزش حاشیه‌ای وجه نقد دارد. هم‌سویی نتایج حاضر با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که قدرت مدیرعامل یک عامل کلیدی در مدیریت منابع، بهبود عملکرد دیجیتال و افزایش تاب‌آوری بانک‌ها در شرایط محدودیت مالی است.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، چند پیام کاربردی مهم قابل ارائه است. نخست آنکه بانک‌ها باید در روند گزینش مدیرعامل، علاوه بر سوابق و تحصیلات، به توان رهبری، قدرت نفوذ، تجربه راهبری پروژه‌های دیجیتال و مهارت در مدیریت منابع توجه ویژه‌ای داشته باشند. دوم آنکه سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی لازم است در ارزیابی عملکرد بانک‌ها، هم‌زمان اثر قدرت مدیرعامل و میزان محدودیت‌های مالی را در نظر بگیرند. سوم آنکه نهادهای ناظر مالی می‌توانند با تقویت سازوکارهای حاکمیت شرکتی، شفافیت تصمیم‌گیری و حمایت از مدیران توانمند، زمینه رشد عملکرد مالی دیجیتال بانک‌ها را فراهم کنند.

این پژوهش نیز مانند سایر تحقیقات با چند محدودیت همراه بوده است. از جمله، محدودیت دوره زمانی و محدود شدن جامعه آماری به بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران، می‌تواند تعمیم‌پذیری نتایج را کاهش دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با دوره زمانی طولانی‌تر و نمونه‌های گسترده‌تر انجام شود. علاوه بر این، پیشنهاد می‌گردد نقش نوع مالکیت بانک‌ها (دولتی و خصوصی) به عنوان یک عامل زمینه‌ای مهم مورد بررسی قرار گیرد، تا مشخص شود این ویژگی تا چه اندازه می‌تواند شدت رابطه میان قدرت مدیرعامل، محدودیت‌های مالی و عملکرد مالی دیجیتال را تغییر دهد. در نهایت، توجه به سایر ابعاد حاکمیت شرکتی مانند ساختار

هیئت مدیره، تمرکز مالکیت و میزان شفافیت گزارشگری نیز می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌هایی جامع‌تر در این حوزه باشد.

فهرست منابع

- پیری، پرویز؛ دیدار، حمزه؛ خدایار یگانه، سیما. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه‌های عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶(۳)، ۹۹-۱۱۸.
- حیدری، فرامرز؛ کاظمی‌علوم، مهدی؛ و ختن‌لو، محسن. (۱۴۰۳). اثر میانجی محدودیت مالی بر رابطه سنگربندی مدیریت و سررسید بدهی با نقش تعاملی شرکت‌های وابسته به دولت. حسابداری دولتی، ۱۰(۲)، ۱۹۱-۲۱۲.
- خواجه‌جوی، شکرالله، ویسی حصار، ثریا و غیوری مقدم، علی. (۱۴۰۳). تأثیر قدرت مدیرعامل بر خوانایی گزارش‌های مالی با تأکید بر نقش مدیریت سود و سرمایه‌گذاران نهادی. مجله دانش حسابداری، ۱۵(۴)، ۱-۲۰.
- داداشی، نسرین، و پورعلی، محمدرضا. (۱۴۰۱). تأثیر مسئولیت اجتماعی و ریسک‌پذیری بر عملکرد شرکت‌ها با توجه به متغیر تعدیل‌گر محدودیت مالی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۱(۴۱)، ۱۴۵-۱۵۸.
- روستا، منوچهر؛ و بزرگ‌اصل، موسی. (۱۳۹۸). توانمندی مدیران و ارزش‌نهایی وجه نقد. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۱(۱)، ۶۷-۱۰۰.
- شهبازی صیقلده، شهن و اسکندری، علیرضا. (۱۴۰۴). تأثیر نقدشوندگی سهام بر اهرم مالی: نقش تضمین بدهی، محدودیت مالی و ریسک. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۸(۱۰۳)، ۱۰۲-۱۲۱.
- صالحی، مهدی؛ باقرپور ولاشانی، محمدعلی؛ خداپرست مشهدی، مهدی؛ اکبری، فرزانه. (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر توانایی مدیران بر پاداش هیأت مدیره و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، [چهاردهمین همایش ملی حسابداری](#).
- طاهری، ماندانا. (۱۴۰۲). محدودیت‌های مالی در شرکت‌ها و رابطه آن با استراتژی‌های تأمین مالی با تأکید بر نقش تعدیل‌گر حاکمیت شرکتی. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۱۱(۲)، ۱-۱۸.
- غریبی، حسن، اسلامی، امیر، نعیمی، فاطمه (۱۴۰۴). رابطه بین هوش مالی مدیران و کارکنان بانک با عملکرد مالی بانک صادرات ایران. حوزه مدیریت، ۶(۲)، ۱۶۲-۱۸۰.
- کاشانی‌پور، محمد؛ آذرخوش، حمید؛ رحمانی، محمد. (۱۳۹۴). "تأثیر توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". حسابداری سلامت، ۴(۳)، ۶۶-۸۵.
- گرد، عزیز؛ فاطمه، رضایی؛ مهدی، بیاتی. (۱۳۹۷). "توانایی مدیریت و ارزش حاشیه‌ای وجه نقد". مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، ۴(۱)، ۲۸۰-۲۶۱.

محدثه شقاقی، & شهناز مشایخ. (۲۰۲۳). رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیریت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عملکرد شرکت و محدودیت‌های مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵(۶۰)، ۷۹-۱۰۶

مهدوی، غلامحسین؛ صابری اسفراجانی، مهدی. (۱۳۹۵). "قابلیت مدیران و محدودیت تأمین مالی"، حسابداری مالی، ۸(۳۱)، ۷۳-۵۱.

ولی زاده، اوغانی؛ اکبر، فقهی؛ فرهمند، ناصر؛ مدرس خیابانی، فرزین. (۱۳۹۶). "توانایی مدیریت و پیامدهای آن بر ارزش آفرینی شرکت‌ها با به کارگیری شبکه‌های عصبی (رویکرد مقایسه‌ای در صنایع شیمیایی و مواد غذایی)". آینده پژوهی مدیریت، ۲۸(۴)، ۹۲-۷۹.

- Abdullah, H., & Tursoy, T. (2023). The effect of corporate governance on financial performance: Evidence from a shareholder oriented system. *Interdisciplinary Journal of Management Studies* (Formerly known as Iranian Journal of Management Studies), 16(1), 79-95.
- Abdurrahman, A., Gustomo, A., & Prasetyo, E. A. (2024). Enhancing banking performance through dynamic digital transformation capabilities and governance, risk management, and compliance: Insights from the Indonesian context. *The Electronic Journal of Information Systems in Developing Countries*, 90(2), e12299.
- Afif, A. A. B., Ishak, Z., & Sawandi, N. (2024). The moderating role of organizational sub sectors on the relationship between CEO duality and nonprofit performance. *International Review on Public and Nonprofit Marketing*, 21(4), 943-962.
- Ahadiat, A., Shamim, A., Jimad, H., & Kesumah, F. S. D. (2024). Assessing the impact of sustainability report disclosures and CEO attributes on the Indonesian energy sector: Implications for capital market performance. *Cogent Business & Management*, 11(1), 2392044.
- Ahsan, T., Al Gamrh, B., & Mirza, S. S. (2022). Corporate social responsibility and firm value: The role of sensitive industries and CEOs power in China. *Applied Economics*, 54(16), 1844-1863.
- Asante-Darko, D., Bonsu, B. A., Famiyeh, S., Kwarteng, A., & Goka, Y. (2018). Governance structures, cash holdings and firm value on the Ghana stock exchange. *Corporate Governance*, 18(4), 671-685.
- Bena, J., Ortiz-Molina, H., & Simintzi, E. (2018). Shielding firm value: Employment protection and process innovation. *Journal of Financial Economics*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3223176>
- Erraja, C., Ying, Q., & Khalil, H. (2024). Corporate social responsibility, CEO characteristics, and earnings management: Evidence from China. *Business and Society Review*, 129(2), 313-345.
- Geyer-Klingenberg, J., Hang, M., & Rathgeber, A. (2018). Corporate financial hedging and firm value: A meta-analysis. *The European Journal of Finance*, 27(6), 461-485.
- Ghardallou, W. (2022). Corporate sustainability and firm performance: The moderating role of CEO education and tenure. *Sustainability*, 14(6), 3513. <https://doi.org/10.3390/su14063513>
- Heriyanto, H. (2024). CEO characteristics and corporate debt: An in-depth analysis in the Indonesian context. *Journal of Enterprise and Development (JED)*, 6(1), 182-189.
- Jilani, W., Chouaibi, J., & Kouki, A. (2023). CEO behavior and CSR engagement: The moderating role of bank risk-taking. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 23(7), 1802-1828.
- Kalasin, K. (2024). Strategic divestment of emerging market firms: The influence of returnee managers and CEO characteristics. *Journal of Global Mobility*, 12(1), 93-125.*
- Khan, I., Mansi, W., Lin, K. L., Liu, C. F., Suanpong, K., & Ruangkanjanases, A. (2021). The effect of CEO on bank efficiency: Evidence from private commercial banks. *Frontiers in Psychology*, 12, 738210. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.738210>

- Khanchel, I., Lassoued, N., & Ferchichi, S. (2025). Trapped in grandiosity? Narcissistic CEOs and risk-taking in MENA banks: The moderating effect of CEO attributes. *Thunderbird International Business Review*, 67(1), 19–42.
- Lee, C.-C., Wang, C.-W., Chiu, W.-C., & Tien, T.-S. (2018). Managerial ability and corporate investment opportunity. *International Review of Financial Analysis*, 57(3), 65–76.
- Li, W., Chen, L., & He, S. (2023). The effect of enterprise financialization on green innovation: Evidence from Chinese A-share non-financial listed enterprises. *Environmental Science and Pollution Research*, 30(5), 56802–56817. <https://doi.org/10.1007/s11356-023-26377-8>
- Liu, Y., Jin, D., Liu, Y., & Wan, Q. (2023). Digital finance, corporate financialization and enterprise operating performance: An empirical research based on Chinese A-share non-financial enterprises. *Electronic Commerce Research*, 23(5), 231–256. <https://doi.org/10.1007/s10660-024-09845-2>
- Mahran, K., & Elamer, A. A. (2024). Chief Executive Officer (CEO) and corporate environmental sustainability: A systematic literature review and avenues for future research. *Business Strategy and the Environment*, 33(3), 1977–2003.*
- Melis, A., & Nawaz, T. (2024). The impact of CEOs' personal traits on organisational performance: Evidence from faith-based charity organisations. *Journal of Business Ethics*, 190(4), 919–939.*
- Melnyk, V. (2024). Transforming the nature of trust between banks and young clients: From traditional to digital banking. *Qualitative Research in Financial Markets*, 16(4), 618–635.*
- Mishra, C. S. (2019). Does managerial ability drive firm innovativeness? *IEEE Transactions on Engineering Management*, 68(4), 1–16.*
- Nam, H., & Uchida, K. (2019). Accounts payable and firm value: International evidence. *Journal of Banking and Finance*, 102(5), 116–137.*
- Odat, M., & Bsoul, R. (2024). The relationship between intellectual capital efficiency and firms' dividend policy: Do CEO characteristics matter? *Investment Management and Financial Innovations*, 21(3), 84–95.*
- Ren, S., Jiang, K., & Tang, G. (2022). Leveraging green HRM for firm performance: The joint effects of CEO environmental belief and external pollution severity and the mediating role of employee environmental commitment. *Human Resource Management*, 61(1), 75–90.*
- Saleh, M. W., Eleyan, D., & Maigoshi, Z. S. (2024). Moderating effect of CEO power on institutional ownership and performance. *EuroMed Journal of Business*, 19(3), 442–461.*
- Seow, R. Y. C. (2025). Environmental, social, and governance reporting in family firms: The critical role of CEO attributes. *Business Strategy and the Environment*, 34(1), 70–87.*
- Shirokova, G., Bystrov, A., Vlasova, V., & Morris, M. H. (2024). Business model innovation and SME performance and performance variability: The role of CEO persistence. *Journal of Small Business Management*, 1–36.
- Singh, R. K., & Sharma, S. K. (2024). Performance and CEO duality in Indian public banks: A moderating role of board independence. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 14(2), 253–272.*
- Sun, R., & Zou, G. (2021). Political connection, CEO gender, and firm performance. *Journal of Corporate Finance*, 71, Article 101918. <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2021.101918>
- Tho, N. X. (2024). The moderating role of CEO age on the relationship between CEO characteristics and Tobin's Q. *Asian Journal of Applied Economics*, 31(1), 106–119.*
- Vu, T. T., & Dang, W. V. (2021). Environmental commitment and firm financial performance: A moderated mediation study of environmental collaboration with suppliers and CEO gender. *International Journal of Ethics and Systems*, 37(1), 53–69.*
- Wang, X., Li, Y., Fu, C., & Yue, Z. (2025). Does CEO competence affect enterprises' financial performance? *International Review of Economics & Finance*, 99, 104001.*

- Zhu, C., Husnain, M., Ullah, S., Khan, M. T., & Ali, W. (2022). Gender diversity and firms' sustainable performance: Moderating role of CEO duality in emerging equity market. *Sustainability*, 14(12), 7177. <https://doi.org/10.3390/su14127177>
- Zhu, J., Tang, Y., Wei, Y., Wang, S., & Chen, Y. (2024). Corporate financialization, financing constraints, and innovation efficiency—Empirical evidence based on listed Chinese pharmaceutical companies. *Frontiers in Public Health*, 11, 1085148. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2023.1085148>

The Impact of CEO Power on Financial Performance in the Digital Economy: The Moderating Role of Financial Constraints in Tehran Stock Exchange Banks

Leila Ahangarian

Department of Accounting, Ki.C., Islamic Azad University, Kish, Iran
Leila.ahangarian@iau.ac.ir

Zohreh Hajiha

Department of Accounting, St.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
Drzhajiha@iau.ac.ir

Mehdi Salehi

Department of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
Mehdi.salehi@um.ac.ir

Hossein Badiie

Department of Accounting and Finance, Science and Research .C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
badiiei@iau.ac.ir

Abstract

This study aims to examine the effect of CEO power on the financial performance of banks in the digital economy, with particular emphasis on the moderating role of financial constraints. The research population comprises all banks listed on the Tehran Stock Exchange during the period 2015–2024 (1394–1403 in the Iranian calendar). The study adopts an applied research approach using a retrospective, panel data-based methodology. The findings indicate that CEO power has a positive and significant impact on banks' financial performance; specifically, CEOs with greater influence and authority are able to leverage technological capabilities and data-driven strategic decision-making to enhance financial efficiency and create added value in a digital environment. Moreover, the results reveal that financial constraints, as a moderating variable, affect the strength of this relationship; under high financial constraints, the positive impact of CEO power on financial performance diminishes. Overall, the findings suggest that CEO capability, influence, and authority in the era of digital transformation are key factors for financial resilience and sustainable success in banks.

Keywords: CEO power, financial constraints, financial performance in the digital economy, Tehran Stock Exchange banks.

